



## درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده کرامت

تاریخ: ۷ مهر ۱۴۰۳

موضوع جزئی: اقسام کرامت - ۱. کرامت ذاتی - ۲. کرامت اکتسابی - تفاوت‌های دو قسم کرامت -

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۶

اختلاف در معنای کرامت ذاتی - دو مقام در بحث

جلسه: ۴

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### خلاصه جلسه گذشته

ما درباره اقسام کرامت قرار بود مطالبی را عرض کنیم؛ یک مقدمه‌ای را گفتیم و به دنبال آن، یک توضیحی راجع به دو قسم معروف کرامت که کرامت ذاتی و اکتسابی است، ارائه می‌کنیم. فقط عنایت بفرمایید که این دو قسم چه در عنوان و چه در تبیین آنها لزوماً مورد توافق نیستند. اجمالاً این دو اصطلاح مشهور شده‌اند که ما دو قسم کرامت داریم، یکی کرامت ذاتی و یکی هم کرامت اکتسابی.

### ۱. کرامت ذاتی

کرامت ذاتی یعنی کرامت، شرف، ویژگی، منزلت، رتبه و امتیاز انسان بما هو انسان. کرامت ذاتی انسان یعنی جایگاه و منزلت و قدر و رتبه و شرافت و امتیازی که برای انسان بما أنه انسان ثابت است؛ از این تعبیر می‌کنند به کرامت ذاتی. این نوعاً در مقایسه با موجودات دیگر لحاظ می‌شود؛ می‌گویند انسان یک ویژگی‌ها و خصوصیات دارد که در موجودات دیگر نیست. این هم صرفاً نه یک تفاوت، بلکه یک مزیت است. البته این یک تلقی است؛ چون مثلاً برخی از واژه «داده‌های تکوینی» خداوند به انسان یاد می‌کنند؛ یعنی انسان یک داده‌های تکوینی دارد که موجودات دیگر ندارند. ما این را بعداً اشاره خواهیم که کرامت ذاتی آیا فقط به معنای نعمت‌های خاصی است که خدا به انسان داده یا یک بزرگی و شرافتی برای انسان محسوب می‌شود. مثلاً فرض کنید یکی از اموری که برای انسان ذکر می‌کنند، راست‌قامت بودن است؛ می‌گویند انسان راست‌قامت است و هیچ موجودی اینطور نیست. بعضی از حیوانات گاهی راست‌قامت می‌شوند ولی خلقت آنها اینطور نیست؛ معمولاً بر شکم یا بر چهار دست و پا حرکت می‌کنند؛ گاهی هم ممکن است روی دو پا حرکت کنند، اما بالاخره از دست‌ها هم کمک می‌گیرند برای حرکت. ما اینها را باید معلوم کنیم که بالاخره کرامت ذاتی که می‌گوییم، چه محدوده‌ای را می‌گیرد.

به هر حال در یک تلقی متعارف، کرامت ذاتی به این معناست. لذا من نمی‌گویم اختلاف در آن نیست، اما بالاخره اغلب از کرامت ذاتی این معنا را می‌فهمند؛ یعنی یک چیزهایی که خداوند به انسان داده و به موجودات دیگر نداده و این یک مزیت و برتری است، یک جایگاه و منزلتی برای انسان است. آن وقت یک خصوصیتی را هم برای آن نقل می‌کنند که من این را در هنگام مقایسه با کرامت اکتسابی ذکر خواهم کرد.

### ۲. کرامت اکتسابی

کرامت اکتسابی یعنی آن کرامتی که در یک خلقی از اخلاقیات انسان و در یک صفت از صفات انسان پدید می‌آید؛ مثلاً کسی دارای صفت بخشندگی، گذشت، ایثار و امثال اینها می‌شود. اگر به خاطر داشته باشید، در معجم مقاییس اللغة، به این دو مطلب

اشاره شده بود. البته اسم کرامت ذاتی را نبرده ولی در مورد آن گفته: «شرف فی الشیء فی نفسه»؛ در مورد اکتسابی هم اینطور آورده بود: «شرف فی خلق من الاخلاق». هر دو را به عنوان یک شرف ذکر کرده بود؛ منتها می‌گفت آن شرفی که مربوط به یک بُعدی از اخلاق است یا یک صفتی از صفات انسانی است؛ اما در مورد دیگری می‌گفت: فی نفسه بما أنه انسان این شرافت را دارد. اسم این را گذاشته‌اند کرامت اکتسابی، از نامش هم پیداست که این خود به خود برای انسان حاصل نیست، بلکه با اکتساب، با تمرین و با ممارست و مداومت برای انسان حاصل می‌شود. یک جایگاه و شرافتی که با عمل و تلاش انسان پدید می‌آید، اما شرافتی که برای انسان بما أنه انسان و بدون تلاش و بدون اکتساب برای انسان، به آن می‌گویند کرامت ذاتی.

### تفاوت‌های دو قسم کرامت

این دو قسم تفاوت‌هایی با هم دارند که با توضیحاتی که دادیم، اجمالاً معلوم می‌شود.

### ویژگی‌های کرامت ذاتی

۱. اولاً در کرامت ذاتی، همانطور که از اسمش پیداست، این کرامت مربوط به ذات انسان است و نه یک وصفی که بر انسان عارض می‌شود؛ یعنی همه انسان‌ها با قطع نظر از عقیده و نژاد و مذهب و رنگ و منطقه جغرافیایی، از آن برخوردار هستند.
۲. اینکه ارادی و اختیاری نیست؛ یعنی اینطور نیست که تحت اراده انسان به وجود بیاید.
۳. اینکه قابل سلب نیست و انسان نمی‌تواند آن را از خودش سلب کند. مثلاً انسان نمی‌تواند راست‌قامتی را از خودش سلب کند. فرض کنیم آن چیزهایی که برای انسان ذکر می‌کنند، قوه عاقله، اراده، اختیار، انسان نمی‌تواند اینها را از خود نفی کند. بله، یک جاهایی اختیاری را از خودش سلب می‌کند ولی باز آن سلب الاختیار ناشی از اراده و اختیار خود انسان است.
۴. کرامت ذاتی ذو مراتب نیست؛ قوه عاقله وجود دارد؛ البته اصل قوه عاقله و نه سطح آن. همه انسان‌ها قوه عاقله دارند؛ حالا ممکن است این استعداد در یکی قوی‌تر باشد ولی اصل قوه عاقله را همه دارند. یا مثلاً اختیار؛ همه مختار هستند لولا یک سری عوارض و موانعی که پیش می‌آید.

### ویژگی‌های کرامت اکتسابی

۱. کرامت اکتسابی وصف ذات نیست؛ شرف فی الشیء فی نفسه نیست؛ بلکه همانطور که گفتیم، این در یک خلقی از اخلاق انسان یا صفتی از صفات انسان است.
۲. اختیاری و ارادی است؛ چون با اکتساب بدست می‌آید. اگر انسان کسب کند، از آن برخوردار می‌شود؛ اگر کسب نکند، هیچ.
۳. اینکه قابل سلب است؛ یعنی کسی می‌تواند مثلاً صفت بخشندگی و گذشت و ایثار را از خودش دور کند. البته اگر این صفات آنقدر تقویت شود که به حد ملکه برسد، طبیعتاً جدا شدن آن سخت‌تر است، اما باز هم ممکن است.
۴. چهارم اینکه ذو مراتب است؛ یعنی می‌تواند کم و زیاد می‌شود. یکی بخشنده است و دیگری بخشنده‌تر است؛ یکی اهل گذشت است، دیگری بیشتر اهل گذشت است.

### سؤال:

استاد: آنجا می‌گوییم خداوند این قوه و این استعداد را به انسان داده که امور را از یکدیگر تمیز و تشخیص بدهد. یا مثلاً قوه ضحک؛ شما می‌گویید انسان ضاحک است؛ منظور قوه ضحک است. نمی‌توانیم بگوییم یکی ضاحک‌تر است و دیگری کمتر

ضاحک است. یکی حیوان تر است، یکی کمتر؛ یکی ناطق تر است، یکی کمتر. اینکه معنا ندارد. بنابراین کرامت‌های اکتسابی طبق این بیان، شدت و ضعف دارند و ذو مراتب محسوب می‌شوند.

این یک تصویر کلی از کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی است. این در بعضی گفته‌ها و نوشته‌ها هم آمده است. اینجا را خوب دقت کنید! واقعاً اینها باید معلوم شود؛ گاهی من مواجه می‌شوم با بعضی از انتظارات و توقعاتی که اینها مثلاً به سرعت از آنها عبور شود و ضرورتی ندارد که ما در این امور بدیهی معطل شویم. اتفاقاً چون این امور مقدماتی به خوبی روشن نمی‌شود، مشکلاتی پیش می‌آید. من الان توضیح بدهم، برای شما روشن می‌شود.

### اختلاف در معنای کرامت ذاتی و محدوده آن

این تقسیم‌بندی با این بیانی که ما داشتیم، یک تلقی و رویکرد درباره کرامت ذاتی است، که من در ضمن اقوال توضیح می‌دهم. طبق این بیان، ما یک کرامت ذاتی داریم و یک کرامت اکتسابی. بین اینها هم نسبت و رابطه وجود دارد؛ یعنی کرامت ذاتی در واقع مقدمه و سرمایه کرامت اکتسابی است. چون خداوند متعال این کرامت‌ها را نسبت به انسان داشته، انسان از این ویژگی‌ها بهره‌مند بوده، قابلیت اکتساب کرامت‌های دیگری را پیدا کرده است. چون فی نفسه بما أنه انسان این شرافت را داشته، عقل و اراده داشته، اختیار داشته و مختار بوده، خدا از روح خودش در او دمیده، براساس فطرت الهی خلق شده، این گرایش به خداوند و خداخواهی در درون او هست، وجود ملکوتی و ملکی با هم دارد، پس یک سرمایه‌ای در اختیار اوست برای کسب کرامت‌های خاص. این یک بیان کلی از این دو قسم کرامت و تفاوت‌ها و نسبت آنها با یکدیگر است.

تعبیر کرامت ذاتی و اکتسابی، شاید یک تعبیر جدیدتری باشد؛ مثلاً ما در کلمات و نوشته‌های دانشمندان، پیش از این شاید این دو اصطلاح را نمی‌دیدیم؛ اما بعضی تلاش کرده‌اند که این عبارت‌ها و انظار و نوشته‌ها را حمل بر همین دو قسمی که اشاره شد بکنند. من برای شما دو نمونه نقل می‌کنم.

#### ۱. کلام علامه طباطبایی

مرحوم علامه طباطبایی که یک مقدار بیشتری به این موضوع پرداخته‌اند و در تفسیر المیزان در چند موضع اشاراتی دارند، مثلاً در فرق بین رحمان و رحیم، ایشان می‌گویند صفت رحمان یک نوعی از کرامت خداوندی است که شامل همه بشر است و هیچ کسی با هیچ مرام و مسلک و رفتاری از آن مستثنی نشده است؛ این تکریم عام است. می‌گویند ما در مقابل این، یک کرامت خاص داریم که براساس آن، کرامت خداوندی شامل بعضی از انسان‌ها می‌شود؛ آنها که اهل ایمان و عمل صالح و طاعت و عبادت هستند. آن وقت خداوند نسبت به این انسان‌ها یک کرامت خاص دارد؛ شرافتی به اینها داده، یک مزیت و خصوصیتی را برای اینها قائل شده؛ ایشان می‌گویند رحمان شامل همه انسان‌هاست با قطع نظر از خصوصیات، اما رحیم یک تکریم خاصی است نسبت برخی افراد. ایشان الان بحث تکریم خداوند را دارد؛ یعنی منظورش این است که خداوند یک تکریم خاص دارد و یک تکریم عام. حالا آیا اینکه خداوند یک تکریم عام دارد و یک تکریم خاص، این معنایش آن است که انسان‌ها هم از دو نوع کرامت برخوردارند؟ معنای رحمانیت و رحیمیت معلوم است؛ اما آیا این معنایش این است که خداوند یک شرافتی به بعضی از انسان‌ها داده به طور خاص و یک شرافتی هم به همه انسان‌ها داده؟ از این دو صفت رحمان و رحیم می‌توان نتیجه گرفت که رحمانیت خداوند اقتضای یک شرافت انسانی عام را دارد و رحیمیت اقتضای یک شرافت انسانی خاص را دارد؟

استاد: رحمت خداوند عام است، اما این معنایش یک شرافت انسانی برای همه انسان‌ها است؟ ... همه موجودات مشمول این رحمت هستند، همه انسان‌ها در دایره نوع خودشان از یک ویژگی‌هایی برخوردار هستند؛ اینکه خداوند تکریم می‌کند به عامه انسان‌ها، اینکه خداوند یک تکریم عامی نسبت به همه انسان‌ها داشته، ... یک نعمتی را به انسان‌ها به طور خاص داده که به هیچ موجودی نداده؛ مثلاً چند چیز را گفته‌اند. آیا می‌توانیم بگوییم این صفت رحمانیت خداوند با این بیانی که گفته شد، ملازم با یک کرامت ذاتی برای انسان است؟ ... این به طور خاص برای انسان است. ... خداوند تبارک و تعالی به نباتات به مقتضای خودشان غذا می‌رساند؛ انسان به لحاظ آن مرتبه نباتی زندگی‌اش، از غذا بهره‌مند است. انسان یک مرتبه حیوانی هم دارد؛ به لحاظ مرتبه حیوانی‌اش با همه حیوانات مشترک است. پس انسان یک اشتراکی دارد با حیوانات و نباتات. اینکه در حیات حیوانی و حیات نباتی، با سایر نباتات و حیوانات مشترک است، طبیعتاً به مقتضای آن حیات حیوانی و نباتی، یک بهره‌مندی‌هایی دارد. بله، این اختصاص به انسان ندارد؛ اما در حیات نباتی و حیوانی هم یک مزیتی حیات حیوانی بر حیات نباتی دارد ... شما سؤال را منحرف کردید؛ سؤال من این بود که آیا این انعام خداوند از حیث شمولش نسبت به همه انسان‌ها بما آنه انسان، این یک تکریم است؟ آیا خداوند منزلت انسان را رعایت کرده که به او یک چنین نعمت‌هایی داده است؟ آیا ما می‌توانیم بگوییم این معادل یا ملازم با کرامت ذاتی انسان است؛ به این معنا که خداوند یک چیزهایی به انسان بما آنه انسان داده که اینها را سلب نمی‌کند، اینها را از هیچ کسی نمی‌گیرد؛ انسان‌ها هم نمی‌توانند این را از خودشان سلب کنند؟ این ناشی از ذات انسان است؛ اینها غیر ارادی است. تعابیر مختلف است؛ اینکه خداوند تکریم کرده، آیا این ملازم با این است که مثلاً انسان هم دارای یک کرامت ذاتی می‌شود؟ اینجا باید در معنای ذاتی بحث کنیم و بگوییم کرامت اختصاصی؛ آیا این ذاتی، ذاتی باب برهان است یا ذاتی باب ایساغوجی است؛ اینها چه فرقی می‌کند؟

## ۲. کلام امام خمینی

امام(ره) در کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل مطلبی دارد. این کتاب که کتاب بسیار ارزشمندی است و من توصیه می‌کنم که حتماً این کتاب را مطالعه کنید؛ چون از آن کتاب‌هایی است که من فکر می‌کنم انسان را به نوعی متحول می‌کند. ایشان در این کتاب هرچند عنوان کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی را مطرح نکرده، ولی سخن از برخی امتیازات تکوینی برای انسان به میان می‌آورد. می‌گوید: «خدای تبارک و تعالی درباره انسان ملاطفت‌ها و رحمت‌های خاصه فرموده، علاوه بر آن رحمت‌ها که با سایر حیوانات شرکت دارد و در حیات حیوانی او یا مقام نباتی او مدخلیت دارد؛ حتی در این مقامات نیز انسان را از سایر حیوانات به کرامت‌هایی ممتاز فرموده است». این همان نکته‌ای بود که من عرض کردم؛ یعنی در واقع یک مشترکاتی بین انسان و سایر حیوانات هست، اما در عین حال باز در همین حیات حیوانی هم به طور خاص یک امتیازاتی به انسان عطا فرموده؛ از نوع غذا خوردن، نوع راه رفتن، لباس داشتن، اینها هیچ ربطی به جنبه‌های انسانی و مقام خلافت ندارد؛ در همان حیات حیوانی و نباتی به طور خاص یک کرامت‌هایی را برای انسان قرار داده است. یا مثلاً فرض بفرمایید راجع به لباس آدم می‌گوید: «انسان دو لباس دارد؛ یک لباس ظاهر و یک لباس تقوا؛ می‌گوید لباس ظاهر از نعمت‌های خداوند است که ستر عورت بنی آدم کند و این کرامت خاص ذریه آدم(ع) است و به دیگر موجودات عطا نفرموده، ولی مؤمنین نیز این نعمت را صرف اداء

واجبات الهیه نمایند». تعبیر ایشان این است: «این کرامت خاص ذریه آدم است»؛ اینجا کرامت را نسبت به خدا می‌دهد؛ یعنی خدا یک کرامتی کرده است؛ شبیه آنچه که مرحوم علامه گفته بودند، یعنی خداوند انسان را تکریم کرده است؛ در اینکه تکریم کرده بحثی نیست؛ منتها تکریم خاص و تکریم عام. حالا آیا تکریم خداوند به صورت عام، یعنی آن کرامت‌هایی که خداوند به انسان بما آنه انسان داشته، این همان کرامت ذاتی انسان است یا این اصلاً فرق می‌کند؟ اینجا تازه کرامت خاص که ایشان فرموده‌اند، این کرامت خاص منظور آن تکریم خاص خدا نیست؛ این هم خاص انسان است، غیر از آن تکریم خاص و لباس تقوا و آن مقامات انسانی و معنوی انسان است.

به هر حال تعبیر کرامت ذاتی و اکتسابی در کلمات به کار نرفته، اما بیانات و مطالبی که در این باره گفته شده، می‌تواند انطباق با آن پیدا کند. کرامت خداوند به انسان، تکریم خداوند، ... تکریم یعنی بزرگداشت انسان؛ خداوند انسان را بزرگ داشته، برای او شرف و منزلت و جایگاه و قدر و رتبه‌ای قائل شده که یک چیز خاصی را به او داده است. می‌توانیم بگوییم پس انسان صاحب آن شرافت شده است؛ وقتی خدا اعطا می‌کند، انسان صاحب آن کرامت می‌شود. خدا تکریم می‌کند و بزرگ می‌شمارد، خب انسان بزرگ می‌شود؛ نمی‌شود خدا تکریم کند و انسان صاحب کرامت نشود. نمی‌شود خداوند بزرگ بشمارد و شرف بدهد و انسان صاحب آن شرف نشود؛ پس در کلمات بزرگان با اینکه این دو واژه چندان ذکر نشده، اما از سخنان اهل تفسیر و کتیری از علما می‌توانیم این را بدست بیاوریم که انسان به طور خاص دارای این شرافت، بزرگی، مرتبه، قدر، منزلت و جلالت است.

سؤال:

استاد: در مورد رحمان، می‌گوید این یک نوعی از کرامت خداوندی است که شامل همه بشر می‌شود؛ کرامت خدا به انسان ... رحمت عامه چیست؟ ...

مهم این است که این کرامت ذاتی که اصل آن مسلم است، خداوند به طور خاص برای انسان یک چیزهایی را قرار داده، که حالا ما اسم آن را می‌گذاریم کرامت ذاتی؛ اما این کرامت ذاتی چیست؟ تعابیر مختلف است؛ بعضی‌ها می‌گویند امتیازات تکوینی؛ بعضی‌ها می‌گویند داشته‌های تکوینی؛ گاهی مصادیق آن را ذکر می‌کنند؛ ملاطفت‌های خاص؛ مثلاً می‌گویند ایجاد محبت بین مادر و فرزند، این در مورد انسان ویژه است؛ حیوانات هم دارند، اما آنطور که در انسان قرار داده شده، در هیچ موجودی نیست. آیا امتیازات تکوینی و تفاوت‌های تکوینی مدنظر است؟ این داشته‌های تکوینی آیا شامل نفخ روح الهی هم می‌شود؟ آیا شامل جعل خلافت الهی هم می‌شود یا نه؟ آیا این شرافت و کرامتی که بعضی از آن یاد می‌کنند به عنوان شرافت و کرامت ذاتی، فقط مربوط به امتیازات تکوینی انسان است؟ امتیازات و تفاوت‌های تکوینی انسان با سایر موجودات معلوم است، ولی آیا «و نفخت فیہ من روحی»، «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم»، چیزهایی که به خلقت انسان مربوط می‌شود، آیا اینها به همان جنبه کرامت ذاتی برمی‌گردد یا اینکه این نفخ روح، تسویه خلق به صورت احسن ... «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» یا امثال اینها، اینها ربطی به امتیازات و تفاوت‌های تکوینی ندارد؟ اینجا اختلاف است؛ ما باید در این باره اقوال را ببینیم و ادله را بررسی کنیم.

ما در این جلسه راجع به اقسام کرامت به صورت کلی توضیحاتی دادیم و اجمالاً گفتیم این دو قسم قابل ردیابی در کلمات بزرگان است، اما اینکه چه معنایی از کرامت ذاتی اراده شده یا چه تفسیری از کرامت اکتسابی می‌شود، این جای بحث دارد. در

مورد کرامت اکتسابی اختلافی نیست؛ اما در مورد کرامت ذاتی اختلاف وجود دارد. یکی از مهم‌ترین اختلافات همین است که اصلاً این کرامت ذاتی چه محدوده‌ای را دربرمی‌گیرد؛ اصلاً ما چیزی به نام کرامت ذاتی داریم یا نه. آیا این ویژگی‌های چهارگانه که برای کرامت ذاتی گفته شد، این مورد قبول همه است؟ یعنی مثلاً این کرامت‌ها قابل سلب نیست؟ اینها جای بحث دارد.

### دو مقام در بحث

ما در ادامه در دو مقام بحث می‌کنیم؛ دقت کنید؛ این مهم است؛ اینها پایه‌ها و ستون‌های این بحث است.

مقام اول درباره اصل وجود کرامت ذاتی و تعیین دامنه آن است. اگر می‌خواهید همین‌طور عبور کنیم و چهار تا دلیل و آیه بیاوریم و بگوییم قاعده ثابت است یا مردود، واقع این است که بنیان‌های استواری برای این نمی‌شود قرار داد؛ در مقام اول ما باید ببینیم اصلاً چیزی به نام کرامت ذاتی داریم یا نه. اگر داریم، مبانی و ادله‌اش چیست؛ محدوده‌اش کجاست، چه تلقی‌هایی در مورد این کرامت ذاتی وجود دارد؟

مقام دوم، این است که بعد از آنکه کرامت ذاتی انسان ثابت شد، این کرامت ذاتی حقوق و تکالیفی را برای انسان ثابت می‌کند یا نه؟

اینها دو مسئله است؛ اصل وجود کرامت ذاتی و بعد هم اینکه آیا این کرامت ذاتی اساساً یک حقوق خاصی را برای انسان ایجاد می‌کند یا نه. اینها را ان‌شاءالله در آینده دنبال خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»